

کردها و اسلام، ستیز یا سازش؟؟!!

بررسی تاریخ سیاسی و مذهبی کردها
قبل و بعد از اسلام

نویسنده:
دانا مهنرئوس

متن اصلی کتاب، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد مؤلف، در رشته‌ی
تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران می‌باشد.

سرشناسه	مهرنوس دانا، ۱۳۶۳
عنوان نام پدیدآور	کردها و اسلام، ستیز یا سازش؟ بررسی تاریخی سیاسی و مذهبی کردها قبل و بعد از اسلام / نویسنده دانا مهرنوس
مشخصات نشر	کردستان: آراس ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	ص ۳۳۴
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۵۶-۵۶-۹
فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه ص ۳۱۷-۳۳۴ هم چنین به صورت زیر نویس
موضوع	کردان -- ایران -- تاریخ
رده بندی کنگره	DSR۷۲/ک۴م۸۷ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	۹۵۵/۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۹۴۲۹۷

شناسنامه کتاب

نام کتاب	کردها و اسلام، ستیز یا سازش؟
نویسنده	دانا مهرنوس
تایپ	: امید مقدس
ناشر	: آراس
تیراژ	: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول پاییز ۱۳۹۰
قیمت	: ۵۵۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۵۶-۵۶-۹

مرکز پخش:

سفندج، پاساژ عزتی، انتشارات آراس تلفن: ۰۸۷۱-۲۲۲۸۳۴۱

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۳
بیان مسأله.....	۱۴
پیشینه تحقیق.....	۱۴
بررسی منابع.....	۱۸
بخش اول: خاستگاه گرد و وجه تسمیه‌ی آن	۳۹
مقدمه.....	۳۹
فصل اول: کردها و روایات مربوط به آنان	۴۱
۱- روایت مربوط به جن و دیو بودن کردها.....	۴۱
۲- روایت مربوط به ضحاک و کردها.....	۴۲
۳- روایات مربوط به سامی، حامی و یافعی بودن کردها.....	۴۴
فصل دوم: اقوام باستانی مناطق گردنشین امروزی	۵۱
الف) اقوام منطقه‌ی زاگرس.....	۵۱
۱- گوتی.....	۵۱
۲- لولوبی.....	۵۲
۳- کاسی.....	۵۳
۴- میتانی.....	۵۵
۵- سوباری.....	۵۶
۶- نایری.....	۵۷
ب) دولت‌های کوچک بومی: الیپی، خارخار (=کرکر)، نمری و مانای.....	۵۹
ج) واژه‌های باستانی.....	۶۱

- ۱- کاردا (= کارداکا) ۶۱
- ۲- کورتی ۶۲
- ۳- کاردوخوی ۶۲
- ۴- کرتی ۶۴
- تشابه و تغییر الفاظ ۶۴
- د) آریایی‌ها و کردها ۶۶
- فصل سوم: نژاد کرد و تفاوت آن با واژه‌ی تاریخی اکراد ۷۳
- الف) اکراد : بادیه‌نشینان، رمه‌داران، شبانکاران ۷۳
- ب) قوم کرد متمایز از اقوام دیلم، قفص، بلوچ و لر ۷۷
- ۱- قوم دیلم ۷۷
- ۲- قوم قفص (= قفس، کوفج، کوچ) و بلوچ ۷۸
- ۳- قوم لر (= لور) ۸۲
- بخش دوم: جغرافیای تاریخی مناطق کردنشین** ۸۹
- مقدمه ۸۹
- فصل اول: اقلیم جبال ۹۱
- مناطق کردنشین جبال ۹۴
- ۱- حلوان (= حلوان) ۹۵
- ۲- خانقین ۹۷
- ۳- قصر شیرین ۹۸
- ۴- کرمانشاهان (= قَرماسین - قَرمیسین) ۹۸
- ۵- مازروستان (ماذرواستان) ۱۰۱
- ۶- ماه شهریاران ۱۰۲
- ۷- دینور (ماه کوفه) ۱۰۳
- ۸- کنگاور (کَنکُور - کَنکُور) ۱۰۴
- ۹- ماسَبَذان ۱۰۵

۱۰۷.....	۱۰- مهرجان قَذَق
۱۰۹.....	فصل دوم: اقلیم آذربایجان
۱۱۱.....	مناطق گردنشین آذربایجان
۱۱۱.....	۱- اَرْمِیه
۱۱۲.....	۲- مراغه
۱۱۳.....	۳- تبریز (توریز)
۱۱۴.....	۴- دُوبِل (دوین)
۱۱۵.....	۵- بلاشجان، سبلان، ساترودان (= میان رودان)
۱۱۶.....	۶- اَشْنَه
۱۱۷.....	۷- سلماس
۱۱۹.....	فصل سوم: اقلیم جزیره (آقور) (آثور)
۱۲۱.....	مناطق گردنشین جزیره
۱۲۱.....	۱- دیار ربیعہ
۱۲۱.....	مَوْصِل
۱۲۲.....	اعمال موصل
۱۲۲.....	۱- شهرزور و نواحی آن
۱۲۴.....	۲و۳- دراباذ و صامغان
۱۲۵.....	۴- اِرِبِل و نواحی آن
۱۲۷.....	۵- المِرج و قراه (= روستاهای آن)
۱۲۸.....	۶- جَبْتون
۱۲۹.....	۷- داسن
۱۲۹.....	۸- باعذرا
۱۲۹.....	۹- بانهدرا: (باهدری)، (باهذری)
۱۳۰.....	۱۰- العقر
۱۳۰.....	۱۱- الحیانہ (الحنانہ) (الحنابہ)

۱۲- العمادیه (أشب)	۱۳۰
۱۳- حزه	۱۳۱
۱۴- الحسنيه	۱۳۲
۱۵- الشوش	۱۳۲
۱۶- الهكاريه	۱۳۳
۱۷- باجرمی (باجرمق)	۱۳۳
۱۸- سنجار	۱۳۴
۱۹- نصیین	۱۳۵
۲۰- دارا	۱۳۷
۲۱- دنیصر (دنيسر)	۱۳۷
۲۲- ماردين	۱۳۸
۲۳- ثمانين	۱۳۹
۲۴- جزيره ابن عمر رضی الله عنه	۱۳۹
۲۵- زوزان	۱۴۰
۲- دیاربکر	۱۴۱
آمد	۱۴۱
میافارقین	۱۴۲
حصن کیفا	۱۴۳
حصن طالب	۱۴۴
قلعه شاتان	۱۴۴
بخش سوم: اوضاع دینی و سیاسی مناطق گردنشین پیش از ورود مسلمان	
مقدمه	۱۴۵
فصل اول: اوضاع دینی مناطق گردنشین	۱۴۷
پیش از ورود مسلمان	۱۴۷

الف) آیین صابی	۱۴۷
ب) آیین زردشتی	۱۵۳
۱- ظهور زردشت و آیین وی	۱۵۳
۲- آیین زردشت در مناطق گردنشین	۱۵۷
ج) آیین مزدک	۱۶۰
۱- ظهور مزدک	۱۶۰
۲- عقیده مزدکی	۱۶۲
۳- سرانجام مزدک	۱۶۴
۴- مزدکیه در مناطق گردنشین	۱۶۴
د) آیین یهود	۱۶۶
۱- اسماء مختلف در نامگذاری قوم یهود	۱۶۶
۲- دین یهود در مناطق گردنشین	۱۷۰
۱- فرق مسیحی	۱۷۵
۲- گردها و مسیحیت	۱۷۶
نتیجه	۱۷۹
فصل دوم: اوضاع سیاسی مناطق گردنشین	۱۸۱
قبل از ورود مسلمین	۱۸۱
الف) قبل از خسرو پرویز	۱۸۱
ب) از خسرو پرویز تا ورود مسلمین	۱۸۷
۱- جنگ در آذربایجان (= آذربایجان)	۱۸۸
۲- قیام بسطام	۱۸۹
۳- شورش نصیبین	۱۹۱
۴- جنگ با روم	۱۹۱
۵- جنگ در مناطق گردنشین	۱۹۴
نتیجه	۱۹۷

بخش چهارم: مناطق گردنشین در مواجهه با مسلمین	۱۹۹
فصل اول: اوضاع سیاسی مناطق گردنشین از ورود مسلمین تا پایان دوره خلفای راشدین	۱۹۹
الف) فتح مناطق گردنشین جبال	۱۹۹
۱- فتح خاتقین و قصر شیرین	۲۰۰
۲- فتح حلوان	۲۰۲
۳- فتح قرماسین (= کرمانشاهان)	۲۰۹
۴- فتح ماسبدان	۲۱۱
الف) فتح ماسبدان قبل از نهاوند (۱۶هـ)	۲۱۱
ب) فتح ماسبدان بعد از نهاوند	۲۱۱
۵- فتح دینور	۲۱۵
الف) فتح دینور قبل از نهاوند	۲۱۵
ب) فتح دینور بعد از نهاوند	۲۱۶
۶- فتح مهرجان قذق	۲۱۹
الف) فتح مهرجان قذق قبل از نهاوند	۲۱۹
ب) فتح مهرجان قذق بعد از نهاوند	۲۲۰
۷- هرمان	۲۲۲
نتیجه	۲۲۸
ب) فتح مناطق گردنشین آذربایجان	۲۳۰
فتح آرمیه (= ارومیه)	۲۴۱
نتیجه	۲۴۳
ج) فتح مناطق گردنشین جزیره	۲۴۴
فتح موصل	۲۴۴
فتح باجرمی (= باجرمق)	۲۵۰
فتح شهرزور، صامغان و دراباذ (= دزآباد)	۲۵۰

۲۵۴.....	فتح نصیبین.....
۲۵۵.....	الف) ابوموسی اشعری.....
۲۵۶.....	ب) عبدالله بن عبدالله بن عتبان.....
۲۵۷.....	ج) خالد بن ولید.....
۲۵۸.....	د) عیاض بن غنم.....
۲۶۸.....	فتح آمد (= دیاربکر).....
۲۷۶.....	فتح میافارقین.....
۲۷۷.....	فتح سنجار.....
۲۷۹.....	فتح مار دین.....
۲۸۰.....	فتح دارا.....
۲۸۰.....	فتح زوزان.....
۲۸۱.....	نتیجه.....
۲۸۳.....	فصل دوم: اوضاع سیاسی مناطق کُردنشین.....
۲۸۳.....	در دوره امویان.....
۲۸۳.....	الف) جنبش خوارج.....
۲۸۳.....	۱- هلال بن علفه (= علقمه).....
۲۸۳.....	۲- ابو مریم سعدی.....
۲۸۴.....	۳- فروه بن نوفل اشجعی و عبدالله بن ابی الحوساء.....
۲۸۵.....	۴- صالح بن مُسَرِّح.....
۲۸۶.....	۵- شَبِیب بن یزید.....
۲۸۷.....	۶- سعید بن بهدل و ضحاک بن قیس.....
۲۸۹.....	۷- شیبان بن عبدالعزیز یشکری.....
۲۸۹.....	ب) قیام‌های ضدّ خلافت.....
۲۸۹.....	۱- عبدالله بن زبیر و مختار بن ابی عبیده ثقفی.....
۲۹۱.....	۲- مُطَرِّف بن مغیره بن شعبه.....

۲۹۲.....	۳- عبدالله بن معاویه
۲۹۳.....	ج) مناطق گردنشین در هنگامه تغییر حکومت از امویان به عباسیان
۲۹۵.....	نتیجه
۲۹۷.....	فصل سوم: اسلام و کردها
۲۹۷.....	۱- علل پیروزی و گسترش اسلام
۳۰۳.....	۲- جزیه
۳۰۴.....	۳- کردها و اسلام آنان
۳۱۲.....	نتیجه
۳۱۳.....	خاتمه
۳۱۷.....	کتابنامه

مقدمه

مقطعی از تاریخ کردها که مورد بررسی قرار خواهد گرفت قطعاً حساس‌ترین دوره تاریخ آنان است، و این حساسیت نیز به خاطر پذیرش دین اسلام به مرور زمان توسط کردها و ترک ادیان پیشین می‌باشد. چرا که هم اکنون کسانی به علت ناآگاهی به ضدیت با اسلام برخاسته و تمامی مشکلات کردها را همان حمله اعراب مسلمان به ایران می‌دانند چرا که در فکر و خیال خویش وضعیت کردها را پیش از ورود اسلام مدینه ای فاصله می‌دانند، غافل از آنکه کردها پیش از آمدن سپاهیان اسلام از دست سپاهیان رومی و ساسانی چه سختی‌ها و مصیبت‌ها چشیده‌اند. به همین خاطر نگارنده رساله‌ی حاضر را از خسرو پرویز شروع کرده است تا توانسته باشد خلاصه‌ای از وضعیت مناطق کردنشین قبل از ورود اسلام را باز نماید تا کسان با آشنایی بدان پرده‌های تاریکی تعصب را از دیدگان خود برداشته و با چشم بصیرت به مسئله ننگرند و دیگر در کنفرانس‌ها و سمینارهای جاهلانه خود با سخنرانی‌های غیر علمی سردار مجاهد اسلام خالد بن ولید را به صدام حسین مجید تشبیه نگردانند و نیز کشتار حلبچه و انفال را به چهارده قرن پیش تعمیم ندهند. نگارنده نیز با آگاهی از این تعصبات کورکورانه وظیفه خود دانست تا این مقطع از تاریخ کردها را با تکیه بر منابع

معتبر تاریخ روشن گرداند تا مردمان به دام تبلیغ مبلغان بی‌دین و پوچ‌گرا که اهدافی جز جدایی کردها و اسلام را ندارند، نیفتند.

بیان مسأله

کردها با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی که در آن ساکن بودند همواره حتی قبل از اسلام و در دوره ساسانی نقش حساسی در مرزهای غربی ایران داشتند که بخشی از ایشان در قلمرو ایران ساسانی و بخش دیگر اتباع روم حساب می‌شدند. بنابراین اوضاع سیاسی - اجتماعی کردها قبل از اسلام در میان ساسانیان و رومیان نقش بزرگی در چگونگی رویارویی آنان با اعراب مسلمان داشت.

کردها یکی از اقوام ایرانی بودند که در معرض حملات اعراب مسلمان واقع شدند. علاوه بر این تعدادی از قبایل عرب به مناطق گردنشین جزیره مهاجرت کردند بر این اساس کردها از نزدیک در معرض برخورد با اعراب مسلمان قرار گرفتند. بنابراین اوضاع سیاسی کردها در اواخر عهد ساسانیان، چگونگی رویارویی کردها با مسلمانان و نحوه فتح مناطق گردنشین و نیز میزان، چگونگی و چرایی رواج دین اسلام در این مناطق مسأله اصلی کتاب حاضر است.

پیشینه تحقیق

کتابی در این دوره حساس از تاریخ کرد به نام کردستان در برابر فتوحات اسلامی توسط محقق شهیر عراقی حسن محمود

محمدکریم به زبان کُردی نوشته شده است، مبنای کتاب وی بر این است که کُردها با مسلمانان صلح کرده‌اند. از سویی دیگر کتابی به نام کردستان و آیین اسلام به زبان کردی توسط رشوف سلیم حویزی نوشته شده که در سال ۱۹۷۰م در عراق چاپ گردیده است مبنای کتاب او جنگ‌های خونینی است که در میان کُردها و اعراب مسلمان صورت گرفته است اما از فرماندهانی نام می‌برد که هیچ گاه به مناطق کُردنشین پا نگذاشته‌اند.

او سال مرگ عبدالله بن عمر بن خطاب را بیست و پنج هجری و به دست کُردها می‌داند در حالی که وی سال‌ها بعد از آن زیسته است. در واقع حسن محمود محمدکریم کتابش را در رد کتاب حویزی نگاشته است و بعد از تحقیقات فراوان روشن می‌کند که کتاب حویزی همان کتاب فتوح سواد العراق منسوب به واقدی است که این کتاب نیز با توجه به اسامی شهرها و فرماندهان و اصحابی که از آنها نام برده شده از آن واقدی نیست بلکه دردوره های بعد نوشته شده و سپس برای اشتهار آن به واقدی منسوب شده است.

در ایران، آقایان ستار آینه پور و اسماعیل اسعدی نیز در پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خود به بررسی دوران فتوحات پرداخته اند اما آقای اسعدی با دیدی متعصبانه و ضد عرب به بررسی و تحقیق پرداخته است. و پایان نامه آقای ستارآینه پور نیز از تعصبات ملی گرایانه خالی نبوده و فرضیه آنان بر آن بوده است که میان

کردها و اعراب مسلمان جنگ‌های خونینی اتفاق افتاده و فتح مناطق گردنشین به سختی واقع شده است در حالی که به قول طبری^۱ و ابن اثیر^۲ منطقه جزیره - که اکثر کردها در آن ساکن بوده‌اند - آسانترین جایی بوده است که در جهان اسلام فتح شد.

به نظر من اشتباه بزرگ آنها در آن بوده که مناطقی از فارس و خوزستان را کُرد به شمار آورده اند، و در مناطق دیگر نیز از ذکر سایر اقوام خودداری کرده اند اگر چه در منابع تاریخی از کردهای آن منطقه بحث شده است اما هر لفظ کُردی دلیل بر نژاد کُرد نیست، بلکه بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که کُرد یعنی غیر شهرنشین و کوچنده و حتی بعضی اوقات حالت تحقیرآمیز داشته است چرا که اردوان پنجم هنگام رویارویی با اردشیر بابکان برای تحقیر وی او را کُرد و پرورش یافته زیر چادر کُردان خواند، در صفحات بعد در مورد واژه کُرد بیشتر توضیح داده خواهد شد. می‌توانیم بگوییم لفظ کُرد بودن آنها در منابع تاریخی به معنای چادر نشینی آنهاست.

بیشترین دلایل آنان نیز برای جنگ و خونریزی میان کردها و اعراب مسلمان همان مقاومت‌های مردم فارس و خوزستان است که طوایفی از آنها به کرد منسوب است اما آنها این خونریزی را به

۱- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م) ص ۵۵.

۲- عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲ (بیروت: دارصادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م) ص ۵۳۲.

تمام مناطق گردنشین تعمیم می‌دهند. می‌توانم بگویم حس باستان گرایی آقای اسعدی باعث شده با دیدی ضدّ عرب به اعراب مسلمان نگاه کند. وی حتی کمک کردها به شورشگران ضدّ بنی‌امیه همچون خوارج و عباسیان را ضدیت کردها با عرب می‌داند در حالی که هم خوارج و هم عباسیان خود عرب بودند.

در عراق نیز فائزه محمد عزت و احمد میرزا میرزا، در پایان نامه‌های کارشناسی ارشد خود به بررسی فتوحات پرداخته‌اند اما آنها نیز نتوانسته‌اند آنچنان که باید و شاید تعصب را کنار نهند چرا که در لابلای خطوط پایان نامه هایشان نتیجه‌گیری‌ها و اشتباهاتی وجود دارد که در جای خود مایه گمراهی خوانندگان است چرا که مخصوصاً احمد میرزا میرزا همچون آقایان آینه پور و اسعدی اکراد را دقیقاً همان کُرد دانسته است بنابراین اونیز در جای جایی از رساله خود به خطا رفته است.

فائزه محمد عزت نیز در جمع روایات به علت رجوع نکردن به تمامی منابع دچار اشتباهاتی شده که فاحشترین آنها در فتح «آمد» می‌باشد که حتی در نتیجه‌گیری رساله خود نیز دوباره بدان اشاره و استناد کرده است او با استناد به تاریخ ابن خلدون: «در سال سوم از خلافت عثمان، ابوموسی از بصره برای جنگ با اهل آمد و اکراد که کافر شده بودند روانه گشت» نتیجه می‌گیرد که کردها مرتد شده‌اند، اشتباه او در اینست که به منابع دیگر رجوع نکرده است چراکه منابع قبل از ابن خلدون نوشته‌اند: «اهل ایذج واکراد کافر

شده بودند» واکراد ایدج نیز به معنای نژاد کرد امروزی نیست بنابراین یا خود ابن خلدون دچار اشتباه شده یا اینکه هنگام چاپ آن اشتباه شده است.

آقای شوان عثمان مصطفی نیز پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در همین مبحث نگاشته است اما او نیز همچون آقای اسماعیل اسعدی با تفکر ضدیت با عرب به تحقیق پرداخته و نتوانسته است به تحقیقی واقعی پردازد و در عراق کسانی چون هیوا سلام و فاضل قرداغی به با رذیه هایی که بر آن نوشته اند آن را از اعتبار علمی ساقط کرده اند.

بنابراین وظیفه خود دانستم این امر بزرگ و خطیر را با شیوه ای بدون تعصب و میانه روانه انجام دهم تا توانسته باشم گوشه ای از تاریخ یکی از اقوام بزرگ - کردها - را روشن بسازم.



بررسی منابع

در این تحقیق از منابع بسیاری در مورد تاریخ کردها در دوره مورد نظر استفاده شده است که هر یک اطلاعاتی در مورد دین، مذهب، جغرافیا، قومیت و تحرکات کردها در اختیار خواننده قرار می دهد. ولی برای پرهیز از اطاله بحث تنها به بررسی و نقد منابع مهم پرداخته خواهد شد و در این راه بیشتر تکیه بر ثقه بودن مورخ از نظر مورخان دیگر و نیز ارزش کتاب وی خواهد بود.

الف) تواریخ عمومی

۱- تاریخ «خلیفه بن خیاط» که توسط ابو عمرو خلیفه بن خیاط بن ابی هبیره اللیثی العصفری ملقب به شهاب (م ۲۴۰ هـ. ق) نوشته شده است؛ ذهبی وی را امام، حافظ، علامه و اخباری توصیف می‌کند.^۱

ابن خیاط در مورد فتح هر یک از مناطق گردنشین روایات متعددی ذکر کرده است ولی به شرح و توضیح روایات نمی‌پردازد و تنها به ذکر سال فتح، نام فاتح و کیفیت فتح مناطق که به صلح بوده یا به جنگ بستند می‌کند. و چون روایت ارجح خود را مشخص نکرده، رجوع به سایر منابع از جمله بلاذری و طبری را ایجاب می‌کند.

۲- «فتوح البلدان» اثر ابوالحسن احمد بن یحیی البلاذری (م ۲۷۹ هـ. ق)؛ ذهبی از او با صفاتی چون علامه، حافظ، اخباری، ادیب، نویسنده و کاتب یاد می‌کند.^۲ مسعودی، فتوح البلدان وی را بهترین کتاب در باب فتوح می‌داند.^۳

بلاذری با استفاده از آثار مورخان، راویان، سفرنامه‌های شخصی^۴

۱- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، تحقیق شعیب الارنؤوط و حسین الاسد (بیروت: موسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م) ص ۴۷۲.

۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۶۲-۱۶۳ و ج ۱۶، ص ۳۶.

۳- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، تحقیق اسعد داغر (قم: دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق) ص ۲۲.

۴- علی بن حسین ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۶، تحقیق محب الدین ابی سعید عمر بن غرامه العمری (بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م) ص ۷۴.

و معمولاً با تحقیقاتی درباره آنها، روایت‌های مورد اعتمادی را نگاشته و از آوردن گزارش‌های مکرر یا متناقض از رویدادهای واحد، خودداری کرده است. و اگر هم گاهی اوقات روایات متعددی ذکر کرده باشد، با تشریح روایت مورد قبول خود، موضع‌گیری خود را در قبال روایت ارجح مشخص می‌کند. بلاذری به زبان فارسی هم آگاهی داشت و از کسانی بود که متون فارسی از جمله عهد اردشیر را به عربی ترجمه کرد.^۱ بنابراین می‌توان گفت که او به منابع فارسی آن زمان نیز آگاهی داشته است. بلاذری در «فتوح البلدان» اطلاعات جامعی در مورد فتح مناطق گردنشین ارائه داده است. وی حتی درباره ای روایات از خود کردها در مورد فتح مناطق شان روایت کرده است. وی در کتاب دیگرش به نام انساب الاشراف نیز اطلاعات ارزشمندی درباره کردها و تحرکات آنها در دوره مورد بحث در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ابن عدیم (م ۶۶۰ هـ. ق) کتاب انساب الاشراف را کتابی دارای نفع و فایده‌ی زیاد توصیف کرده است.^۲

۳- «اخبار الطوال» اثر ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (م ۲۸۲ هـ. ق)؛ ذهبی وی را علامه‌ای راستگو و بخشنده می‌داند که در نحو،

۱- محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست (بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۸/ق ۱۹۷۸م) ص ۱۶۴؛ خیر الدین زکلی، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۱ (بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۹۸م) ص ۲۷۶.

۲- کمال الدین عمر بن احمد ابن العدیم، ج ۳، بنية الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار (بیروت: دارالفکر، بی تا) ص ۱۲۱۹.

لغت، هندسه و علم نجوم تألیفاتی داشته است.^۱ زرکلی نیز وی را مهندس، مورخ، گیاه شناس و از نوایغ آن زمان می‌داند.^۲

کتاب وی حاوی اطلاعات مهمی در مورد اوضاع مناطق گردنشین قبل از اسلام مخصوصاً در دوره ساسانیان می‌باشد. اما وی در مورد فتوحات اسلامی در مناطق گردنشین اطلاعات چندانی در اختیار محقق قرار نمی‌دهد.

۴- «تاریخ یعقوبی» اثر احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب (م بعد ۳۹۲ هـ. ق.)؛ وی مورخ و جغرافی دانانی بود که دست به سفرهای زیادی زد.^۳ او نیز از اوضاع مناطق گردنشین در دوره فتوحات اطلاعات به چندان زیادی در اختیار محقق قرار نمی‌دهد و شرح و توصیفی در آن دیده نمی‌شود. و از آوردن روایت‌های بسیار درباره واقعه‌ای خودداری می‌کند.

۵- «تاریخ الامم و الملوك» اثر ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۲۲۴-۳۱۰ هـ. ق.)؛ ذهبی او را امامی سرشناس، مجتهد و عالم زمان خود وصف می‌کند که صاحب تصنیفات زیادی بوده و در پی دانش‌اندوزی سفرهای زیادی به انجام رسانیده است.^۴

تاریخ الامم و الملوك مشهور به تاریخ طبری، مشهورترین تاریخ روایی و سال‌شمار اسلامی می‌باشد. او نیز همچون بلاذری به زبان

۱- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۴۲۲.

۲- زرکلی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۳- همان، ج ۱، ص ۹۵.

۴- ذهبی، همان، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

فارسی آگاه بوده است و حتی در جای‌جایی از تاریخ خود جملات را عیناً به فارسی نقل کرده و سپس ترجمه آن را به زبان عربی آورده است.

طبری در تاریخ خود اطلاعاتی راجع به مناطق گردنشین پیش از اسلام به ما داده و اما در مورد فتوحات اسلامی اطلاعات بسیار ارزشمندی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. وی از اختصار نویسی خودداری کرده و به شرح وقایع مخصوصاً در مناطق گردنشین و نیز تحرکات خوارج و قیام‌های دیگری که ضد بنی‌امیه در آن مناطق روی داده می‌پردازد.

۶- «کتاب الفتوح» اثر ابو محمد احمد بن علی اعثم کوفی (م ۳۱۴ هـ. ق)؛ کتاب الفتوح وی کتابی داستان‌وار می‌باشد که بیشتر مندرجات آن مخالف با سایر منابع می‌باشد. تا جایی که ابن حجر عسقلانی به نقل از یاقوت حموی وی را ضعیف دانسته است.^۱ و مورخان بعد از او نیز به ندرت روایات وی را نقل کرده‌اند که باز نشانه ضعف کتاب وی می‌باشد. اما باید گفت که الفتوح در بسیاری از وقایع تکمیل‌کننده روایات سایر مورخان می‌باشد.

۷- «مروج الذهب و معادن الجواهر» اثر ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ هـ. ق)؛ ذهبی او را اخباری، صاحب غرائب و عجایب و فنون می‌داند و می‌نویسد که مسعودی معتزلی

۱- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، تحقیق دائرة المعارف النظامیه - الهند (بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م) ص ۱۳۸.

بوده است.^۱

زرکلی نیز او را مورّخی می‌داند که به سفرهای زیادی دست زده است، مسعودی هم در مروج الذهب و هم در کتاب دیگرش به نام التنبيه و الاشراف اطلاعات ارزشمندی را درباره منشأ کردها و طوایف و مناطق آنان و فرق و مذاهبی که در آن مناطق بوده‌اند ارائه داده است.

۱- «الکامل فی التاریخ» نوشته‌ی عزالدین ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد الجزری الشیبانی، ابن الشیخ الاثیر ابی‌الکرم (۵۵۵-۶۳۱ هـ. ق)؛ ذهبی وی را با القابی چون امام، علامه، اخباری، ادیب، صاحب فنون، بزرگ و محتشم وصف می‌کند که منزل وی محل طلب علم بوده است.^۲

کتاب الکامل در دوره ای از تاریخ کردها که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، تقریباً همان روایات بلاذری و طبری را دوباره بازگو کرده است. اما در بعضی روایات مخصوصاً در مورد فتوحات اسلامی در مناطق گردنشین دچار اشتباه گشته و روایات را اگر چه از طبری و بلاذری اخذ کرده اما به اشتباه افتاده و روایات را جابجا کرده است بدین معنی که روایت فتح شهری را به شهر دیگر نسبت داده است و محقق در اخذ این گونه روایات حتماً باید به منابع اصلی که مورد استفاده خود ابن اثیر نیز بوده رجوع کند. از دیگر

۱- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۶۹.

۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۳- همان، ج ۲۲، ص ۳۵۴.

کتب مشهور وی اسد الغابة فی معرفة الصحابة می باشد که از آن می توان برای تکمیل مطالب وی یا اینکه بدانیم وی چه روایتی را در الکامل ارجح دانسته بسیار ارزشمند می باشد.

۹- «تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام» نوشته شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ هـ. ق)؛ معاصر او، یعنی ابن شاکر او را شیخ، امام، علامه، حافظ و دارای تصنیفات زیاد می داند.^۱ تاج الدین سبکی نیز وی را از لحاظ علمی دریایی می داند که نظیر ندارد و او را محدث عصر می نامد.^۲ زرکلی نیز وی را حافظ، مورخ و علامه ای می داند که سفرهای زیادی را به انجام رسانده است.^۳

ذهبی در تاریخ اسلام و دیگر کتبی از جمله «سیر اعلام النبلاء» در مورد مناطق گردنشین، تحریکات کردها، شرح حال عالمان، قاضیان و حاکمان کرد اطلاعات ارزشمندی را ارائه داده است. در مورد فتوحات اسلامی در مناطق گردنشین ذهبی بیشتر از خلیفه بن خیاط نقل می کند اما در جای جایی در مورد روایات او به شک افتاده و روایات سایر مورخان را نیز آورده و در کتاب دیگرش

۱- ابن شاکر الکُتبی، فوات الوفيات، ج ۳، تحقیق احسان عباس (بیروت: دارصادر، جلد اول، ۱۹۷۲م و سه جلد دیگر ۱۹۷۴م) ص ۳۱۵.

۲- تاج الدین سبکی، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۹، تحقیق د. محمود محمد الطناحی و د. عبدالفتاح محمد الحلو (بی جا: هجر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق) ص ۱۰۰-۱۰۱؛ نعمان بن محمد الالوسی، جلاء العینین فی محاکمة الاحمدین (بی جا: مطبعة المندی، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م) ص ۴۶.

۳- زرکلی، ج ۵، ص ۳۲۶.

یعنی سیر اعلام النبلاء از آوردن آن روایت خلیفه خودداری کرده است. به هر حال وی در مورد فتوحات اسلامی همچون ابن خیاط هیچ گونه شرح و توضیحی نمی‌دهد و به همان اختصار نویسی بسنده کرده است.

۱۰- «البدایة و النهایة» اثر عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر (۷۰۰-۷۷۴ هـ.ق)؛ وی حافظ، مورخ و فقیه بود.^۱ او دارای تصنیفات زیادی بوده که مهمترین آنها «تفسیر قرآن عظیم» و «البدایة و النهایة» می‌باشد. کتاب البدایة و النهایة در دوره مورد بحث مخصوصاً دوره فتوحات اسلامی در مناطق گردنشین به ذکر همان رویدادهای ذکر شده در کتب مورخان چون طبری، بلاذری پرداخته و گاهگاهی روایات خلیفه بن خیاط را از تاریخ الاسلام ذهبی نقل می‌کند.

۱۱- دیوان «المبتدأ و الخبر فی تاریخ الحرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر» (= تاریخ ابن خلدون) اثر عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هـ.ق)؛ وی فیلسوف، مورخ و دانشمندی جامعه‌شناس بود و مقدمه مشهور او از اصول علم جامعه‌شناسی به شمار می‌رود.^۲

تاریخ ابن خلدون نیز همچون الکامل ابن اثیر و البدایة و النهایة ابن کثیر در دوره مورد بحث همان روایت‌های مورخان پیشین چون

۱- همان، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۳۰.

بلاذری و طبری را نقل کرده است. اما باید گفت که در جای جایی از کتاب تاریخ وی بر اثر اشتباهات وارده در چاپ کتاب یا سهل انگاری مؤلف، نام اماکنی به اشتباه نوشته شده که با رجوع به منابع اصلی توضیح داده خواهند شد.

ب) کتب جغرافیایی و رحلات (= سفرنامه‌ها)

۱- «المسالک و الممالک» نوشته عبیدالله بن احمد بن خردادبه (م حدود ۲۸۰هـ.ق)؛ جدّ وی زردشتی بود که به دست برامکه مسلمان شد.^۱ ابوالفرج اصفهانی وی را قلیل الصحیح دانسته و می‌نویسد: «که وی پیش از آنکه مطلبی را به خوبی تصحیح کند آن را در کتابش نقل می‌کند.»^۲ اما مورخان و جغرافی‌دانان بعد از او از وی متأثر شده‌اند که از جمله آنها ابن فقیه، مسعودی، ابن حوقل و ابوعبدالله مقدسی می‌باشند. تا جایی که مسعودی مسالک و ممالک وی را از کتب نفیس می‌داند.^۳

ابن خردادبه در کتاب خود اطلاعات مهمی را درباره مناطق گردشین مخصوصاً فاصله شهرها در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۲- «البلدان» نوشته احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر بن وهب (م

۱- صلاح الدین خلیل صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی (بیروت: دار الحیاء التراث، ۱۴۲۰ ق/ ۲۰۰۰ م) ص ۲۲۹.

۲- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱، تحقیق سمیر جابر (بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، بی تا) ص ۴۳.

۳- مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۲.

بعد ۲۹۲ هـ. ق)؛ کتاب البلدان یعقوبی یکی از بهترین منابع برای شناسایی جمعیت قومی در مناطق گردشین می‌باشد. او بعد از توضیحی درباره شهرها می‌نویسد که مردمان آن از چه قوم و ملیتی هستند.

۳- «الخراج و صناعة الكتابة» اثر ابوالفرج قدامه بن جعفر بن قدامه (م ۳۳۷ هـ. ق)؛ عمر کحاله وی را حکیم، ادیب، اخباری، از عالمان منطق، کاتب و ناقد توصیف می‌کند.^۱ زرکلی نیز او را از بلیغان و فصیحان گذشته در علم منطق و فلسفه می‌داند.^۲

«الخراج» وی کابیسست در باب خراج، مالیات و توصیف ممالک اسلامی و حدود و مرزهای آن. قدامه نیز همچون ابن خردادبه به تقسیمات بین شهرها و مناطق گردشین اشاره کرده است. او در مورد فتوح اسلامی هم اشاره کرده و همان روایات بلاذری را در مورد فتح مناطق گردشین نقل می‌کند. و گاهی اوقات نیز در میان روایت‌های بلاذری در مورد یک واقعه روایت ارجح خود را نقل می‌کند که به نوبه خود به محقق در نقل روایت ارجح کمک می‌کند.

۴- «البلدان» نوشته ابن فقیه ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (م حدود ۳۴۰ هـ. ق)؛ وی جغرافی‌دان و ادیب بود.^۳ کتاب البلدان وی منبع ارزشمندی درباره تقسیم‌بندی مناطق گردشین، توصیف

۱- عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۸ (بیروت: دارالحیاء التراث العربی، بی تا) ص ۱۲۸.

۲- زرکلی، ج ۵، ص ۱۹۱.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۰۸.

شهرها و وجه تسمیه آنها می باشد.

۵- «صورة الارض» اثر ابوالقاسم محمد بن حوقل نصیبینی (= الموصلی) (م بعد ۳۶۷ هـ. ق)؛ او جهانگرد و عالمی جغرافی دان بود.^۱ و گفته می شود جاسوس فاطمیان بوده است.^۲ کتاب صورة الارض وی یکی از مهمترین منابع جغرافیایی به شمار می رود چرا که جغرافی دانان و مورخان بعد از او چون یاقوت حموی، ابن خلکان، قلقشنندی، قزوینی، ذهبی، نویری و... در کتب خود از صورة الارض استفاده کرده اند. وی چون مسافرت های زیادی به سرزمین های اسلامی از جمله مناطق گردشین داشته بنابراین از اطلاعات مهمی در رابطه با توصیف شهرهای گردشین، مسافت میان آنها و نیز وجود اقوام مختلف در آن مناطق برخوردار است.

۶- «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» اثر ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر مقدسی (= البشاری)؛ مقدسی جهانگردی جغرافی دان بود که بیشتر سرزمین های اسلامی را پیمود. زرکلی در ادامه به نقل از گلدمیستر^۳ می نویسد: «مقدسی نسبت به سایر علمای جغرافی دان، ملاحظات و دقت نظر بیشتری داشته است».^۴

مقدسی در احسن التقاسیم به تقسیم بندی و توصیف مناطق و

۱- همان، ج ۶، ص ۱۱۱؛ کحاله، ج ۱۱، ص ۵.

۲- زرکلی، ج ۶، ص ۱۱۱.

۳. Gildmeister

۴- زرکلی، ج ۵، ص ۳۱۲.

شهرهای گردنشین، مذاهب و فرق موجود و جمعیت قومی آن مناطق اشاره کرده است، او حتی گاه‌گاهی به توصیف ظاهر مردمان نیز می‌پردازد.

۷- «معجم البلدان» نوشته شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی (م ۶۲۶ هـ. ق)؛ ذهبی او را ادیب و اخباری می‌داند که صاحب تصنیفاتی در تاریخ، انساب و بلدان و... بوده است.^۱ زرکلی نیز او را مورّخی مورد اطمینان از ائمه جغرافی‌دانان و از عالمان لغت و ادب می‌داند.^۲

یاقوت حموی نیز همچون بسیاری از جهانگردان مسافرت‌های زیادی به سرزمین‌های اسلامی از جمله مناطق گردنشین داشته است و حتی دوستانی از گُردها از جمله شرف الدین یعقوب الهذبانی و ابو عبیدالله حسین بن شروین بن ابی بشر الجلالی الباکلی و محمد بن فضلون بن ابی بکر بن حسین بن محمد العدوی العقری که نحوی، لغوی، فقیه، متکلم و حکیم بود داشته و از آنها روایت کرده است. او در معجم البلدان و کتاب دیگرش المشتَرک وضعاً و المفترق صقلاً - که توسط محمد پروین گنابادی با نام برگزیده مشترک یاقوت حموی ترجمه شده است - به بررسی مناطق گردنشین پرداخته است و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در مورد فتوحات اسلامی نیز یاقوت علاوه بر بلاذری

۱- شمس الدین ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۵، تحقیق د. صلاح الدین المنجد (کویت: مطبعة حکومت الکویت، ۱۹۸۴ م) ص ۱۰۶.

۲- زرکلی، ج ۸، ص ۱۳۱.

روایاتی را نیز از طبری و مؤلفان دیگر نقل می‌کند و در جایجایی نیز به اشتباه روایاتی را جابجا نوشته که با استفاده از منابع اصلی تر به اصلاح آنها پرداخته شده است.

۸- «رحلة ابن جبیر»، همانطور که از نام آن پیداست اثر ابوالحسن محمد بن احمد بن جبیر (۵۴۰- ۶۱۴ هـ. ق) می‌باشد؛ او جهانگردی ادیب بود که در بلنسیه (Valence) به دنیا آمد.^۱ وی نیز به شهرهای زیادی مسافرت کرد.^۲ سفرنامه‌ی او اطلاعات مهمی درباره توصیف شهرها و جمعیت قومی مناطق گردشین در اختیار محقق قرار می‌دهد.

یک قرن و نیم بعد از ابن جبیر، جهانگردی دیگر به نام ابن بطوطه ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۷۰۳- ۷۷۹ هـ. ق) دست به سفرهای طولانی در سرزمین‌های مختلف زد، وی آخرین سیاح بزرگی می‌باشد که به سراسر جهان اسلام سفر کرده است. وی در مورد مناطق گردشین مخصوصاً صفات و ویژگی‌های شهرها و ساکنین آن توصیفات می‌نماید.

۹- «آثار البلاد و اخبار العباد» نوشته زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (۶۰۵- ۶۸۲ هـ. ق)؛ او در قزوین به دنیا آمد و به شام و عراق سفر کرد، سپس در ایام مستعصم عباسی قاضی واسط و حله

۱- زرکلی، ج ۵، ص ۳۱۹.

۲- کحاله، ج ۸، ص ۲۴۶.

گشت. قزوینی مورخ و جغرافی دان بود^۱ و در آثار البلاد به توصیف شهرهای گردشین و نیز وصف مردمان، بناها و در جای جایی نیز به وجه تسمیه مناطق پرداخته است.

۱۰- «مسالك الابصار فی ممالك الامصار» اثر شهاب الدین احمد

بن یحیی بن فضل الله العمری (۷۰۰ - ۷۴۹ هـ. ق)؛ او مورخ، و در جغرافی و شناخت سرزمین ها و راه ها حجت و در نامه نگاری، انشاء و دبیری سرآمد و به اخبار رجال عصر و شرح حال آنها آگاه بود و نیز در تاریخ مخصوصاً تاریخ پادشاهان مغول از چنگیزخان به بعد تا زمان خود عالم بود.^۲ ابن حجر می نویسد: «وی از سلاله عمر بن خطاب می باشد و کتابی به نام فواصل السمر فی فضائل آل عمر را در چهار جلد نگاشته است و کتاب مسالك الابصار وی نیز بیش از بیست جلد می باشد.»^۳ کتابی که از بهترین منابع جغرافیایی می باشد، تا جایی که ابن شاکر،^۴ ابن قاضی شهبه^۵ و ابن عماد حنبلی^۶ در مورد آن می نویسند: «مسالك الابصار کتابی است باشکوه که همانند آن وجود ندارد.» کتابی که در زمینه قومیت کردها،

۱- زرکلی، ج ۳، ص ۴۶.

۲- زرکلی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳- ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنه فی اعیان المائة الثامنة، ج ۱، تحقیق محمد عبدالمعید شان (هند- حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م) ص ۳۹۵.

۴- الکتبی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۵- ابوبکر بن احمد ابن قاضی شهبه، طبقات الشافعیه، ج ۳، تحقیق د. حافظ عبدالعلیم خان (بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۷ق) ص ۱۷.

۶- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۸، تحقیق الاناؤوط (دمشق بیروت: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م) ص ۲۷۴.

پراکندگی جمعیت و طوایف آنان و نیز وجه تسمیه شهرها اطلاعات بسیار ارزشمندی را داراست، که کمتر مورخ و جغرافی دانی همچون او بدین کار دست زده است.

ج) تراجم (= شرح حال)

از جمله منابع استفاده شده در این تحقیق کتاب‌های شرح حال‌نویسی و قوم‌شناسی و فرّق مذهبی می‌باشند که هر یک از آنها اطلاعاتی درباره اوضاع مناطق گردنشین در زمینه‌های دینی، مذهبی، جغرافیایی و فتوحات مناطق گردنشین ارائه داده‌اند که برای دوری از اطاله بحث تنها به ذکر کتاب و توضیح مختصری درباره مؤلف می‌پردازیم.

- ۱- «فضائل الصحابة» نوشته احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ هـ. ق.)؛ وی از امامان چهارگانه اهل سنت می‌باشد.^۱ ابن خلکان او را امام محدثین^۲ و ذهبی او را امام و شیخ الاسلام^۳ توصیف می‌کند.
- ۲- «معرفة الصحابة» اثر ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی (۴۳۰ هـ. ق.)؛ او حافظ، مورخ و از اشخاص مطمئن در حفظ و روایت بود.^۴ «معرفة الصحابة» وی

۱- زرکلی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲- شمس الدین احمد ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۱، تحقیق احسان عباس (بیروت: دارصادر، ۱۹۰۰ م) ص ۶۴.

۳- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۷۷.

۴- زرکلی، ج ۱، ص ۱۵۷.

مورد استفاده تراجم نویسان بعدی قرار گرفته است.

۳- «الاستيعاب في معرفة الاصحاب» نوشته ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر^۱ (۳۶۸-۴۶۳هـ. ق)؛ او مورخ، ادیب، محقق، از بزرگان حافظ حدیث و ملقب به حافظ مغرب بود و سفرهای طولانی در شرق و غرب اندلس داشته است.^۲

۴- «اسد الغابة في معرفة الصحابة» نوشته عزالدین بن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ق)؛ ذکر او در صفحات پیش از خاطر گذشت. ابن اثیر در اسد الغابة تقریباً همان کتب معرفة الصحابة ابو نعیم اصفهانی و الاستيعاب ابن عبدالبر و... را جمع کرده است و مطالبی را نیز بر نوشته‌های آنان افزوده است.

۵- «وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان» نوشته ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان (۶۰۸-۶۸۱ق)؛ وی مورخی حجت و ادیبی ماهر بود و کتاب وفیات الاعیان او بهترین و مشهورترین کتب شرح حال نویسی می‌باشد.

۶- سیر اعلام النبلاء که در صفحات پیش ذکر گردید.

۷- «الاصابة في تمييز الصحابة» نوشته احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲هـ. ق)؛ ابن عماد با القابی چون شیخ الاسلام، علم الاعلام، امیرالمؤمنین در حدیث و حافظ عصر، ابن حجر را

۱- همان، ج ۸، ص ۲۴۰.

۲- همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

توصیف می‌کند.^۱ «الاصابة» او نسبت به کتب‌های شرح حال پیشین از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد چرا که نسبت به کتاب‌های قبل از او مفصل‌تر و جامع‌تر می‌باشد. کتاب لسان المیزان و تهذیب التهذیب وی نیز جزو منابع بسیار ارزشمندی برای شناسایی قوی یا ضعیف بودن مورخان می‌باشد.

د) الملل و النحل (کتاب‌های قوم‌شناسی و فِرَق دینی)

۱- «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» نوشته ابن حزم علی بن احمد (۳۸۴-۴۵۶ هـ.ق)؛ ذهبی او را به صورت امامی بی نظیر، بحر، صاحب فنون و معارف، حافظ، متکلم، ادیب و فارسی الاصل توصیف می‌کند.^۲ ابن حجر نیز در لسان المیزان وی را فقیه و حافظ می‌داند.^۳ زرکلی نیز او را یکی از امامان اسلام و عالم زمان خویش (ابن حزم) می‌داند.^۴ کتاب الفصل وی یکی از بی نظیرترین کتاب‌های ملل و نحل می‌باشد که به دقت هر چه تمام‌تر به توضیح ادیان از جمله یهود، مسیح، تحریفات وارده بر آنها و مخصوصاً تناقضات اناجیل پرداخته است.

۲- «الملل و النحل» نوشته شهرستانی محمد بن عبدالکریم بن احمد (۴۷۹-۵۴۸ هـ.ق)؛ او پیشوا در علم کلام، ادیان امم و مذاهب

۱- حنبلی، ج ۹، ص ۳۹۵.

۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۱۸۴.

۳- عسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۹۸.

۴- زرکلی، ج ۴، ص ۲۵۴.

فلاسفه بود.^۱ ذهبی در العبر می نویسد: «او به گرایش نسبت به مذهب باطنی متهم می باشد.»^۲ و در سیر اعلام نیز به همانگونه می نویسد: «او به گرایش نسبت به اهل قلاع (= اسماعیلیان) و دعوت به سوی آنان و یاری آنها متهم می باشد.»^۳ اما ابن حجر در لسان المیزان می نویسد: «تاج الدین سبکی نقل می کند که کتاب های وی درباره آنچه که به او نسبت داده می شود چه آشکار و چه پنهان چیزی دیده نمی شود شاید به علت مجادله یا توجه به نظرات آنان او را متهم کرده باشند، والله اعلم.»^۴ اما با این وصف تمامی مورخان به الملل والنحل او استناد کرده اند.

۳- «الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح» اثر ابن تیمیة تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم حرانی (۶۶۱-۷۲۸ هـ. ق)؛ ابن شاکر او را امام، علامه، فقیه، مفسر، حافظ، شیخ الاسلام و صاحب تصانیف زیادی می داند. وی تعداد تألیفات ابن تیمیة را حدود ۳۰۰ جلد می داند.^۵ کتاب الجواب الصحيح وی یکی از پربارترین کتاب هایی است که درباره دین مسیح، آراء، اعتقادات و تحریفات وارده بر آن نوشته شده است.

۴- «هدایة الحیاری فی أجوبة اليهود و النصاری» اثر ابن قیم

۱- همان، ج ۶، ص ۲۱۵.

۲- ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۴، ص ۱۳۲.

۳- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۲۸۷.

۴- عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۶۳.

۵- الکتبی، ج ۱، ص ۷۴.

محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد (۶۹۱-۷۵۱ق)؛ ابن کثیر معاصر وی او را شیخ، امام و علامه می‌داند و سپس می‌نویسد: «در زمان ما در جهان کسی که بیشتر از او عبادت کند، نمی‌شناسم.»^۱ ابن عماد حنبلی نیز ابن‌قیم را مجتهدی مطلق، مفسر، نحوی، اصولی و متکلم می‌داند.^۲ «هدایة الحیاری» کتابی ارزشمند درباره یهود، نصاری و عقیاید و انحرافات وارده بر کتب آنها می‌باشد.

ه) تحقیقات معاصر

۱- «خلاصه‌ی تاریخ کرد و کردستان» اثر محمد امین زکی بگ (۱۲۷۹-۱۳۶۷هـ.ق)؛ وی وزیر عراق، مورخ و کردی الاصل بود که کتاب‌های زیادی به زبان‌های ترکی، کردی و عربی نوشته است.^۳ از جمله آنها خلاصه‌ی تاریخ کرد و کردستان است که به زبان کردی می‌باشد و اطلاعات ارزشمندی مخصوصاً درباره منشأ کرد در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۲- «ایران در زمان ساسانیان» نوشته پروسور آرتر کریستن سن (۱۸۷۵-۱۹۴۵م)؛ رشید یاسمی که آن را ترجمه کرده می‌نویسد: «کریستن سن سی سال در تألیف این کتاب رنج برده‌اند و تقریباً همه منابع قدیم و جدید را، از یونانی، رومی، سریانی، ارمنی و

۱- اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایة والنهاية، ج ۱۴ (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م) ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲- حنبلی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۳- زرکلی، ج ۶، ص ۴۵.

عربی، خاصه کتاب‌هایی که در دو قرن اخیر به خامه خاورشناسان و محققان آثار باستانی نگارش رفته، از نظر انتقاد گذرانیده‌اند. و جامع‌تر از این، کتابی در تاریخ ساسانی نوشته نشده است.^۱

از کتاب‌های ارزشمند دیگر «تاریخ مردم ایران» اثر دکتر عبدالحسین زرین کوب (۱۳۰۱-۱۳۷۸ هـ. ش) ادیب و مورخ معاصر ایرانی و کتاب «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی» نوشته برتولد اشپولر (۱۹۱۱-۱۹۹۰ م) می‌باشد که با استفاده از منابع بیشتر اطلاعات مهمی در اختیار محقق قرار می‌دهند.

یکی دیگر از کتبی که در واقع محرک نگارنده در تدوین این پایان‌نامه بوده کتاب ارزشمند «کردستان در برابر فتوحات اسلامی» اثر محقق شهیر عراقی حسن محمود محمدکریم می‌باشد، او حتی با تحقیقات میدانی و رجوع به کتب معتبر درباره مزارهای منسوب به اصحاب پیامبر ﷺ در مناطق کُردنشین ثابت کرده که این مزارها از آن اصحاب پیامبر ﷺ نمی‌باشد.

۱- آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشیدپاسمی (تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۸ ش) ص ۱۳.